۱- عدم تلازم منطقی بین کامل و مطلق

همانطور که قبلا هم در تعریف خدا گفتند :

> میدانیم که خدا بر اساس تعریفش **کامل** است یعنی اگر ویژگی داشته باشد در آن ویژگی **حد کمال** را دارد، یعنی اگر دانشی داشته باشد دانش او به **حد کمال** است (علیم است)، یعنی **همه چیز** را میداند، اگر قدرت انجام کاری را داشته باشد، قدرت او به **حد کمال** است (قدیر است) یعنی **همه کارها** را میتواند انجام دهد، اگر زیبایی داشته باشد کمال زیبایی را دارد و از همین رو کمتر دین خدا محوری را میتوان یافت که خدا را قدیری ای قادر **مطلق** ندانند.

واضح است که در بسیاری از صفات ، کامل بودن و مطلق بودن ، همراهی دارند ، چون کامل یعنی آنچه نقص ندارد و مطلق یعنی آنچه حد ندارد ، پس علم بدون نقص همان علم بدون حد است و قدرت کامل همان قدرت مطلق است ، و این در صفاتی که به نوعی به ذات بر میگردند جاری است مثلا همین بخشندگی اگر منظور از آن عمل بخشیدن نباشد بلکه مبدء ذاتی آن که صفت بخشایندگی است باشد هم صفتی است کامل و هم مطلق ، یعنی بخشش از ناحیه ذات بخشنده هیچ حد و مرزی ندارد و اگر مشکلی در عمل بخشیدن باشد از بیرون ذات بخشنده است ، اما همه صفات این گونه نیست مثلا صفاتی که به کار بر میگردد کامل بودن در آن صفت ملازم با مطلق بودن نیست چون یکی ملازمه منطقی بین نقص نداشتن و حد نداشتن نیست ، مثلا اگر منظور از بخشنده صدور بخشیدن از او باشد در اینجا کامل بودن ملازمه با مطلق بودن ندارد ، بخشنده کامل آن نیست که همه را ببخشد و بینهایت بخشندگی داشته باشد ، بلکه بخشنده کامل آن است که بخشندگی او نقص نداشته باشد و از ناحیه او سخت گیری بیجا نباشد اما بخشیدن یک ظالم و ضایع کردن حق مظلوم نزد خردمندان یک بخشش کامل نیست و بخشنده او را یک بخشنده کامل تلقی نمیکنند ، همانگونه که همه میدانند ترحم بر پلنگ تیز دندان یک ترحم عقلائی و کامل نیست.

بازبینی #1
ایجاد شده 5 مه 2025 16:57:34 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 مه 2025 16:59:11 توسط ... .